

تارینا

راه رسیدن به قرب الهی

***آیهٔ... وحید خراسانی

دعای روز بیست و هشتم ماه مبارک رمضان

بسم ا... الرحمن الرحیم / اللهم وفر حظی فیہ من النوافل واکرمنی فیہ باحضار المسائل و قرب فیہ وسیلتی الیک من بین الوسائل یا من لا یسئله الحاج الملحین: خدایا! سرشار کن پهره ام را در این ماه از انجام مستحبات و نوافل و گرامیم دار به یاد داشتن مسایل و نزدیک گردان در آن وسیله ام را بسویت از میان سایر وسایلی که سرگرمش نکند سماجت سماجت کنندگان!

یکی از نقطه های آغاز در رسیدن به کمال، التزام به نوافل و مستحبات است. نوافل و سنن صالحه چندان مهم است که بعضی از فقها ترک جمیع سنن را از آن جهت که دلیل بر بی اعتنائی به آداب شرع مقدس است حرام دانسته اند. اما ذکر این نکته که التزام و استمرار بر نوافل و مستحبات باعث می شود که اولاً گناهان انسان محو شده، ثانیاً نواقص و کمبودهایی که بر اثر غفلت یا قصور در فرایض و واجبات رخ داده، جبران و ثالثاً موجب تقرب به خداوند سبحان شود.

اینکه خداوند متعال می فرماید: « نماز بگذار در آغاز و انجام روز و ساعتی از شب. زیرا نیکبها بدیها را از میان می برد... و در حدیث آمده است که نماز مؤمن در شب، گناهان روز او را از بین می برد. و در بعضی نقلها آمده است که نماز و ثر گناهان را از بین می برد، دلیل بر همین واقعیت است.

نکته دیگری که ذکر آن مهم به نظر می رسد، آن است که اعمال مستحب و نوافل در صورتی مفید و موثر است که استمرار و تداوم داشته باشد، چنانکه در احادیث آمده است: هر عمل نیکی را که شروع می کنید حداقل آن را تا یک سال ادامه دهید که تأثیر عمل در تداوم آن است. در حدیث دیگر آمده است: مداومت بر کار خیر آثار خوبی دارد که ترک کارهای زشت، پرهیز از لغزش و گناه، حصول یقین، حب نجات، طاعت خدای رحمان، تعظیم منطق و برهان، دوری از وسوسه شیطان و پذیرفتن عدل و گفتار حتی از آن جمله است. اینها چیزهایی است که شخص خردمند از تداوم بر کار خوب به دست می آورد. و در حدیث دیگر در اهمیت مداومت بر کار خیر از امام باقر(ع) نقل شده است که آن حضرت فرمود: هنگامی که بر کار خوبی خود را عادت می دهم، دوست دارم بر آن مداومت داشته باشم. چنانچه نتوانم آن را در شب انجام دهم قضای آن را در روز بجا می آورم و اگر در روز از من فوت شود، در شب آن را قضا می کنم. به راستی محبوب ترین عمل نزد خدا عملی است که دوام داشته باشد.

سوالی که در این جا به ذهن می رسد این است که مقصود از التزام به نوافل و مستحبات چیست؟ بی گمان مقصود از این نکته آن نیست که انسان تمام مستحبات را بجا آورد که چنین چیزی نه ممکن است و نه جایز، زیرا نه امکانات اجازه می دهد و نه سایر تکالیف و مسؤولیتها برای انسان این همه وقت باقی می گذارد، بلکه مقصود آن است که انسان در حدود شرایط و امکانات فردی و اجتماعی اعمالی را انتخاب کند و ملتزم به انجام آن باشد. اما برخی اعمال است که انجام آن بسیار سفارش شده است که قرائت قرآن، شب زنده داری و مناجات و راز و نیاز در دل شب و التزام ادای نماز در اول وقت از آن جمله است.

تلنگر

پیامک به ((ماه خدا))

***محمود صادقی

بدن پدرم بوی مشمئز کننده ای گرفته و کنار حیاط، داخل یک اتاقک دور از خانواده روزگار می گذراند.

این قسمتی از یک پیامک دختر خانمی بود که در یکی از سحرهای اواخر ماه مبارک رمضان توسط آقای جمشیدی مجری شبکه یک سیما، برنامه «ماه خدا» خوانده شد. پیامک تکان دهنده ای بود، بی گمان آنهایی که آن را شنیدند مو بر بدنشان راست شد و ضربان قلبشان بالا رفت و به خود لرزیدند و به فکر فرو رفتند که این می تواند کمترین عقوبت کسانی باشد که به جنگ با خدا رفته اند. این دختر خانم در پیامک خود «نزول خواری» را بشدت مذمت کرده بود و عاجزانه از کسانی که در این راه قدم بر می دارند خواسته بود از این کار دست کشیده و از سرنوشت پدرش عبرت بگیرند. وی وضعیت فجع پدرش را مصداق آخر و عاقبت نزول خواری دانسته و تأکید کرده بود: «کسانی که شک دارند می توانند بیایند و از نزدیک شاهد وضع و حال پدرم باشند.» او می گفت: به رغم معاینات زیاد، پزشکان از دلایل بیماری پدرم چیز زیادی متوجه نشده اند و تنها معتقدند که ریه هایش مسدود شده است. آقای جمشیدی پیامک را به نقل از این دختر خانم این طور ادامه داد که «هرگز التماسهای جانسوز خانمی را که به همراه دو فرزندش دم در خانه مان از پدرم می خواست تا شوهرش را به زندان نیندازد فراموش نمی کنم». اما پدرم بدون توجه به عجز و ناله های این خانم که برای تنها پناهگاه خانواده اش مهلت می خواست با عصبانیت می گفت: «چاره ای جز این ندارم». این دختر خانم در پیامک خود شیوه کار بانکها را دلیل اصرار پدرش بر نزول خواری عنوان کرده و آورده بود: هر وقت به پدرم اعتراض و کار زشتش را یادآوری می کردیم، می گفت: اگر این کار درست نیست، پس چرا در یک جامعه اسلامی بانکها به طور رسمی همان کاری را می کنند که من الان در مقیاس کوچکترش انجام می دهم. اگر این ریاست پس کار بانکها هم ربوی است و باید جلو آن را بگیرند. در این پیامک با استناد به آیات و روایات که «ربا گیرنده و ربا دهنده هر دو گنهکارند» می سوال مطرح شده بود که «براستی اگر شیوه کار بانکها ربوی است چه سرنوشتی در انتظار ما خواهد بود و وظیفه ما در این زمینه چیست؟» آیا می توان در جامعه کسی را پیدا کرد که از بانک وام نگرفته باشد و یا در بانک سپرده گذاری نکرده باشد؟

«سوفیا اسپاداوچیا»؛ این بار این خواهر آمریکایی است که با نقل سرگذشتش یک بار دیگر به صورتهای خواب آلوده ما آب می زند و به بیداری فرا می خواند. دکترای میکرو بیولوژی و ژنتیک مولکولی دارد، پسر دو ساله اش «علی» را هم در دیار غربت اسلام، مسلمان تربیت می کند. هم همسر است، هم مادر، هم دانشمند و هم اهل دعا و عبادت، و به این می گویند زن مسلمان. به جز سرگذشت مسلمان شدن که ناگزیر است جزئیات را توضیح دهد، پاسخ دیگر پرسشهایم را کوتاه می دهد. سوفیا خیلی مختصر، از عوامل مسلمان شدنش می گوید.

*****اول از همه برویم سراغ حال و هوای شما قبل از مسلمان شدن...**

***من در آمریکا زندگی می کنم. خانواده ام هنگی کاتولیک هستند، من هم در این فضا پرورش یافته و تعلیمات کاتولیکهای تمام عیار را گذراندم. هر هفته روزهای یکشنبه به کلاسهای مذهبی کلیسا می رفتم و در همه مراسم مذهبی شرکت می کردم. بزرگتر که شدم، خودم کتاب مقدس را می خواندم، اما بعضی مطالبش برابم گیج کننده بود. به دبیرستان که رفتم، دیگر به الوهیت عیسی (ع) اعتقاد نداشتم و حاجتهای خودم را فقط از خدا می خواستم، نه حضرت عیسی(ع).

*****حرفه آشناییی تان با اسلام از کجا خورد؟**

***در دانشگاه با دانشجویانی از کشورها و ادیان مختلف آشنا شدم و علاقه ام به یافتن حقیقت روز به روز بیشتر می شد. دوباره سراغ کتاب مقدس رفتم تا این بار با دقت بیشتری آن را مطالعه کنم. به موضوع «آخر الزمان» هم علاقه مند شدم و چند کتاب داستان بر اساس پیش گویی های کتاب مقدس درباره آخر الزمان خواندم، ولی به جایی نرسیدم. با کمک اینترنت درباره ادیان و آیین های مختلف اطلاعاتی به دست آوردم، اما هر چه بیشتر درباره آنها می خواندم، بیشتر از آنان فاصله می گرفتم. اعتقادم نسبت به خدا قوی بود، فقط احساس گم شدگی می کردم و نمی دانستم دین مورد رضای خدا را کجا می توانم پیدا کنم. در دانشگاه از نعمت ارتباط با صمیمی ترین دوستانم برخوردار شدم که مسلمان بودند. دوستان مسلمانم از عقاید من می پرسیدند و من در این سؤال و جوابها متوجه شدم که عقاید فطری ام با اسلام مطابقت دارد. حتی بعضی از دوستانم فکر می کردند مسلمانم. انا اینکه سرانجام بعد از آشنایی با همسر فعلی ام در دانشگاه، تصمیم نهایی ام را گرفتم. با همسر م «ولید» در یکی از درس ها هم کلاسی بودیم و تا یک سال روابطمان در حد سلام و علیک بود. یک روز هنگام غروب در ماه رمضان کمی شیرینی تعارفش کردم که روزه اش را باز کند و او تعجب کرد که من با روزه و ماه رمضان آشنا هستم. یک سال بعد دوباره در کلاسی با هم بودیم. یک روز ظهر ولید سر کلاس اجازه گرفت و بیرون رفت.

وقتی بر گشتم، از او پرسیدم رفته بود نماز بخواند. او خیلی تعجب کرد و پرسید از کجا با نماز و روزه آشنا شده ام. من هم گفتم از دوستان مسلمانم. با

ولید ۶ساعت درباره دین اسلام حرف زدیم و من پشت سر هم از او سؤال می کردم. او مبانی اسلام را جوری به من منتقل می کرد که ذهنم باز شد و نسبت به این دین کنجکاوتر شدم. دلم گواهی می داد که اگر بیشتر به دنبال اسلام بروم، دست آخر مسلمان خواهم شد. بنابراین مطالعه قرآن را آغاز کردم. از خواندن قرآن، حتی از همان سوره حمد، بسیار شگفت زده شدم. سوره ای به این کوتاهی و در عین حال، سرشار از همه مبانی لازم برای زندگی بشر! در خلال مطالعه قرآن، هر جا به نکته مبهمی بر می خوردم، به ولید ایمیل می زدم و از او می پرسیدم. او هم حداکثر تلاشش را

*****یعنی همان شب شهادتین را گفتید؟**

***نه. این فقط مرحله قلبی بود و تا حدود یک ماه درباره آن به هیچ کس، حتی ولید، چیزی نگفتم. وقتی موضوع را با او در میان گذاشتم، خیلی خوشحال شد. در این ۳ ماهی که با هم درباره اسلام حرف می زدیم، احساس کردم مرد زندگی ام را پیدا کرده ام. به همین خاطر می خواستم مطمئن شوم که دارم با تصمیم خودم مسلمان می شوم، نه به خاطر ولید. سرانجام در ۱۸ آگوست ۲۰۰۴ در حضور ولید شهادتین را گفتم و در ۵ سپتامبر همان سال، شهادتین را در مسجد و در حضور شیخ ادا کردم.

از همان اول مسلمان بودم!

گفتگوی قدس با بانوی تازه مسلمان آمریکایی

***احمد عبدا... زاده مهنه



می کرد تا جواب پرسشهایم را بدهد.

*****چه نکاتی در قرآن توجه تان را بیشتر جلب کرد؟**

***معجزات علمی قرآن، و از همین طریق پی بردم که کلام خود خداست. به علاوه پیامبران در قرآن انسان های متعالی تصویر شده اند که بندگان صالح خداوند هستند نه افرادی گنه کار. سرانجام دیدم اسلام و قرآن با عقلم جور در می آید. سبحان ا...! انگار بی آنکه خودم خبر داشته باشم، از همان اول مسلمان بوده ام. الحمد لله خدا لطف دیگری هم در حتم کرد که مهم ترین بخش مسلمان شدن من است و آن، اینکه ولید در خانواده ای شیعه بزرگ شده بود. یک روز از او گرانها ترین هدیه عمرم را دریافت کردم: دعای کمیل. شب که به خانه رفتم، دعا را خواندم و زیبایی عبارتش را فوق ادراک خودم یافته و دیدم تمام عقاید فطری ام در دعای کمیل بیان شده است. دعای کمیل دلتنگی آدم را از بین می برد و او را به رحمت و بخشش خداوند امیدوار می کند. کمیل را می خواندم و گریه می کردم و راستش خجالت می کشیدم که دارم گریه می کنم. نمی دانستم که هر کس این دعا را بخواند، به گریه می افتد! همان لحظه فهمیدم که دیگر مسلمان شده ام و ذره ای تردید نداشتم که اسلام همان دین بر حقی است که دنبالش بوده ام.

چهره ها



هوایپمای یک موتور ه موتوره از نیویورک آمریکا برخاست و پس از ۳۳ ساعت و نیم پرواز بدون توقف، عرض ۳هزار و ۶۰۰ مایلی اقیانوس اطلس را طی کرد و در بورژه پاریس در فرانسه فرود آمد. این پرواز نخستین پرواز انفرادی و بدون توقف بین دو قاره آمریکا و اروپا بر فراز اقیانوس اطلس بود و شهرت بسیاری را برای لیندبرگ به همراه داشت. هوایپمای لیندبرگ

*****در مسلمان شدنتان عوامل دیگری هم تأثیر داشت؟**

***بله. یکی از عوامل مهم علاقه مندی من به اسلام این بود که دوستان مسلمانم آدمهای خوب، مودب و باهوشی بودند. آنها اصلا دست و پا نمی زدند که عقایدشان را به من تحمیل کنند، ولی با شور و شوق فراوان کمکم می کردند و به پرسشهایم جواب می دادند. قرآن و دعای کمیل هم در مسلمان شدنم نقش اساسی داشتند.

*****از چه زمانی با حجاب شدید؟ مشکلی هم در این زمینه داشتید؟**

***من در فوریه ۲۰۰۶ با حجاب شدم. بزرگ ترین مشکلم این بود که مادرم را متقاعد کنم. او هنوز هم با حجاب من مشکل دارد.

*****آن روزها بین اسلام و ادامه تحصیل و کار در اجتماع تناقضی مشاهده نمی کردید؟**

***به هیچ وجه. البته در عالم مسیحیت، بین علم و دین تضاد مشاهده می کردم. ولی بعد از آشنایی با اسلام، دیدم که خدا با علم هیچ مشکلی ندارد و بر عکس، انسانها را به آموختن علم تشویق می کند. قوانین علمی را هم در حقیقت خداوند وضع کرده است و ما فقط چیزهایی را کشف می کنیم که خدا پیش از این مقرر کرده است.

که ۲۵۰۰ کیلوگرم وزن داشت، بیش از ۱۹۰۰ لیتر سوخت حمل می کرد. شرایط پرواز بسیار دشوار و هوایپمای لیندبرگ فاقد وسایل رفاهی. علاوه بر این نخستین بار چارلز لیندبرگ در سفر هوایی خود بر فراز اقیانوس اطلس ابتدایی ترین نوع جعبه سیاه را بکار گرفت. از آن زمان تاکنون در ساختمان جعبه سیاه تغییرات زیادی داده اند. جعبه ای که لیندبرگ از آن استفاده کرد، ارتفاع پرواز و اطلاعات مربوط به زمان پرواز را ثبت می کرد. حدود۵سال پس از آن، ریوده شدن و قتل پسر خردسال لیندبرگ که به علت شهرت لیندبرگ، معروفترین جنایت دهه ۱۹۳۰ لقب گرفت در روحیه او اثر فراوان گذارد و آندوه ناشی از این واقعه، او را تا پایان عمرها نساخت. البته عده ای نیز معتقدند چارلز لیندبرگ اولین کسی نیست که به آن طرف اقیانوس اطلس پرواز کرده، بلکه خلبانی به نام جان آلکاک و آرتور ویتن براون آن را انجام داده است.

وزیر کشور ایتالیا ساخت مسجد میلان را تکذیب کرد

به رغم حمایت اسقف اعظم

میلان و نیاز مسلمانان به ساخت مسجدی در شهر میلان، وزیر کشور ایتالیا، خیر ساخت این مسجد را تکذیب کرد. به گزارش مهر، روبرتو مارونی در جمع خبرنگاران در رابطه با کمک دولت به ساخت مسجد میلان

گفت: من وزیر کشور هستم نه کسی که مسجد می سازد. به دنبال تعطیلی بزرگترین مسجد میلان، کاردیا دینیچی تاتمانزی، اسقف اعظم میلان خواستار تساهل بیشتر از سوی مقامات شهر میلان نسبت به جامعه مسلمان شد.

حدیث مهر

عرفان پینوکیو

همه ما در دوران کودکی کارتون معروف «پینوکیو» را دیده ایم. داستان آن کارتون فرزند ی بود چوبی که پیرمردی برای فرار از تنهایی به دست خودش ساخته بود. اما فرزند چوبی سر ناسازگاری داشت و البته کمی هم زودباور و نادان بود و خیلی راحت گول می خورد. یک وقتی در یکی از نشریات دانشجویی که به دستم رسید مقاله ای خواندم با عنوان «عرفان پینوکیو» به این عروسک نادان است و ما را یاد خودمان می اندازد و فرزندانمان. او فرزند ی از چوب تراشید اما ما فرزندی می آوریم که از گوشت و پوست و استخوان ماست و طبق قانون وراثت بسیاری از خصایص اخلاقی ما را به ارث می برد و با آنچه در محیط می بیند و می آموزد ترکیب می کند و ثمره اش هرچه باشد دود یا عود به خودمان بر می گردد چرا که آن آتش شله قلمکار را خودمان پخته ایم و مسوول شوری و بی مزه بودنش نیز خودمان هستیم.

پیامبر(ص) می فرماید: بداندیک که فرزند چکیده و خلاصه پدر خویش است. (کشف الغمه ج ۲ ص ۶۵) پدر و مادر عمری دعا می کنند که فرزند داشته باشند و خداوند هم عیایت می کند همچنان که به زکریای نبی(ع) عطا کرد و نامش «یحیی» بود. خداوند آن پسر و پدر را اینگونه توصیف می کند «دعای او را مستجاب کردیم و به او یحیی را بخشیدیم و به او همسر خوبی عطا کردیم که در کار خیر تعجیل داشتند و ما را می خواندند برای ثواب و ترس از عقاب و همیشه برای ما خشوع می کردند» توصیف خداوند از این پدر و پسر چه زیباست هر دو در اعلی مراتب بندگی هستند. اما آیا همه پدر و فرزندها اینگونه اند؟ قطعاً خیر!

گفت پس باشد پدر را هم شریک

در پسر از فعل زشت و فعل نیک

پس ای پدرها مراقب خود باشید تا بتوانید پدر خوبی برای فرزندانتان باشید که حضرت ختمی مرتبت می فرمایتند: هر کس فرزندش را ببوسد، خداوند برای او ثواب قائل است و هر کس فرزندش را خوشحال کند خداوند در آخرت او را خوشحال خواهد کرد و اگر او قرآن پیامزود روز قیامت پدر و مادر خود را فرا خواند و به آن دو لباس فاخر بپوشاند که از نور آن لباس صورت اهل جنت روشن شود.

خوی بابا در ولد جاری بود

هرچه در چشمه به جو جاری بود

روی رومی زاده باشد همچو ماه

روی زنگی زاده چون قیر سیاه

پدرها و مادرها می دانید چه آینده خوبی در انتظار شماست؟ اگر فرزندان را درست تربیت کنید ! می دانم که می دانید. اما گاهی اوقات پدرها بی خیال می شوند و مادرهایی حوصله. آفتدر به سختی های زندگی تن می دهند که زیر سنگینی آن سختیها له می شوند که البته بیشتر این سختی ها خود ساخته است و بی فایده. وقتی آدم به جای تربیت فرزند فقط و فقط به فکر پرکردن شکم و رسیدن به ظاهر باشد، تجملات از در و دیوار آن زندگی بالا می رود قرض و غوله بیداد می کند، دیگر وقتی برای با هم بودن نمی ماند همه می خواهند بهترین ماشین را داشته باشند و می خواهند در بهترین حالت باشند. حد وسطی قابل نمی شوند. وقتی حد وسط فراموش می شود کار آدمی یا به افراط می انجامد یا به تفریط که البته هر دو حالت نامطلوب و مخرب است. آدمی اگر وقت بگذارد و سر خود را شیره نماند، فرزند چیزی جز آموختن نمی خواهد. این فطرت پاک و خدادادی چرا باید به کدورتهای بی توجهی والدین آلوده شود تا بعداً جامعه برای پاک کردن آن آلودگیها متحمل ضرر و زیانهای فراوان بشود.

نهاد خانواده مهمترین نهاد تربیتی یک جامعه است که البته این هم حرف جدیدی نیست اما کو گوش شنوا؟! البته خونه خانواده جایگاه پرورش گلی از گلهای بوستان خداست. گلی که به امانت به شما می سپارند و این شما باید که می توانید خدای نکرده با عملتان آن گل را پرپر کنید و به فنا بداند بسپاریدش یا اینکه نه بارورش کنید آفتور که عطرش عالمی را عطر آکین کند. علی (ع) و فاطمه(س) دو باغبان بودند و باغچه ای داشتند که در آن به بارور ساختن گلهای خدادادیشان ایستاده بودند و آنچنان خوب باغبانی کردند که هنوز هم که هنوز است عطر خوش گلهای آسمانی آن باغچه، شمام عالیمان را میهمان رایحه خوش بهشت گردانیده است. پیامبر (ص) می فرماید: فرزند بد شرف آدمی را منهدم و مایه آبروریزی برای گذشتگان خود است.

*** مهدی مروت

نتایج نهایی کنکور ۸۹ امشب اعلام می شود



رئیس سازمان سنجش آموزش کشور از اعلام نتایج نهایی کنکور سراسری امسال تا امشب خیر داد. دکتر محمد حسین سرورالدین در گفتگو با ایسنا، با اشاره به اعلام نتایج نهایی کنکور تا پایان امروز ۱۷ شهریور ماه، گفت: در کنکور امسال۵۱۸ هزار داوطلب پذیرفته شدند. وی افزود: داوطلبان می توانند با مراجعه به سایت سازمان سنجش به نشانی www.sanjesh.orgدر زمان مذکور با واردکردن کد رهگیری نسبت به مشاهده نتایج اقدام کنند.